

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

# دُرّهایی از دریایی

تدبر در آیاتی چند از قرآن کریم

در روز جزا که دل پر از واژه است      معیار نجابت زنان فاطمه است



مجمع حافظان قرآن کریم کاشمر

## مقدمه

به استناد روایات بسیاری که از پیامبر(ص) و امامان معصوم(ع) به ما رسیده و نیز با تکیه بر مفاهیم آیات متعددی از قرآن کریم، حضرت فاطمه(س)، سیده‌ی زنان دو عالم و برترین زن هستی است. زهرا(س) کسی است که ثابت کرد زن در رشد و تعالی و رسیدن به کمال انسانی، از هیچ مردی کمتر نیست و می‌تواند به مقام معصومین(ع) برسد.

اگر به برجسته‌ترین شاخص‌های شخصیت این انسان فرشته‌صفت که ایمان، پاکدامنی، ولایت‌مداری، همسرمداری و فرزندپروری است توجه کنیم، حداقل این سؤال تأسف‌برانگیز به ذهنمان می‌رسد که: چرا با وجود چنین الگوی بی‌عیب و نقصی، باز هم بعضی از زنان و دختران جامعه‌ی ما، روز به روز از این ارزش‌های والای انسانی فاصله می‌گیرند و بازیچه‌ی فرهنگ منحط غربی می‌شوند؟!

پاسخ بسیار ساده است. اول این که ما متأسفانه به جای این که خود را نیازمند الگوگیری و بهره‌وری از کلام و مرام معصومین(ع) بدانیم و تلاش کنیم که با شناخت دقیق شخصیت آن‌ها و پیروی از گفتار و رفتار آن‌ها معایب و نواقص خود را رفع کنیم، معصومین(ع) را نیازمند عزاداری‌ها و گریه‌های خود می‌بینیم و گمان می‌کنیم اگر روضه‌ای برای آن‌ها گرفتیم و اشکی ریختیم، گرهی از کار آن‌ها باز کرده‌ایم و آن‌ها هم در مقابل، ناچارند ما را از عذاب خداوند نجات دهند. در صورتی که آن‌ها در دعاها و زیارات ما، «نور» معرفی شده‌اند و قطعاً ما مییم که به نور نیازمندیم، نه این که نور به ما نیاز داشته باشد. بنابراین ما به روضه‌ها و عزاداری‌های اهل بیت(ع) نیازمندیم تا با تأثیر از آن، گفتار و رفتارمان به اهل بیت(ع) نزدیک شود و از عذاب الهی نجات پیدا کنیم.

مشکل دوم در این است که قرآن را فراموش کرده‌ایم و نمی‌دانیم که برای شناخت درست اهل بیت(ع) باید قرآن را درست بفهمیم. زنی که می‌خواهد ایمان و نجابت خود را به حضرت زهرا(س) نزدیک کند باید عفاف و حجاب و نجابت و حیا را از قرآن بیاموزد ولی متأسفانه بسیاری از زنان و دختران جامعه‌ی ما حتی نمی‌دانند که در قرآن هم آیاتی برای عفاف و حجاب وجود

دارد چه رسد به این که آن‌ها را بخوانند، بفهمند و در آن تدبّر کنند! این در حالی است که قطعاً معیار سنجش ایمان و نجابت زنان در روز قیامت، میزان الگوپذیری آن‌ها از شخصیت حضرت زهرا(س) و تأثیرپذیری آن‌ها از مفاهیم قرآن کریم است، نه میزان اثرپذیری آن‌ها از فرهنگ بیگانه و تناسب آن‌ها با انحرافات فرهنگی زمانه!

بر این اساس جوانان مجمع حافظان قرآن کریم کاشمیر بر آن شدند تا به مناسبت ایام شهادت أمّ‌الائمّه، حضرت فاطمه(س)، تعداد اندکی از آیات مرتبط با موضوع عفاف و حجاب را با اندکی از پیام‌های آن در اختیار شما خواننده‌ی عزیز قرار دهند. امیدواریم در جهت ترویج این مطالب و آگاه‌سازی دیگران و نیز مطالعه‌ی آیات بیشتری در این زمینه، توفیق یابید.

\*\*\*\*\*

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

«وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةٌ مِّنَ النَّاسِ يَسْقُونَ وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمُ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَشْقِيكَ حَتَّىٰ يُضْمِرَ الرَّعَاءُ وَأَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ ﴿٢٣﴾ فَسَقَىٰ لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّىٰ إِلَى الظِّلِّ فَقَالَ رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ ﴿٢٤﴾ فَمَجَاءَتْهُ إِحْبَاهُمَا تَمْسِي عَالِيٰ اسْتِحْيَاءٍ... ﴿٢٥﴾»

«و چون به آب مدین رسید، گروهی از مردم را بر گرد آن [چاه] یافت که [دام‌های خود را] آب می‌دادند، و پشت سرشان دو زن را یافت که [گوسفندان خود را] از آب باز می‌دارند. گفت: کار مهم شما چیست؟ گفتند: [ما به گوسفندان خود] آب نمی‌دهیم تا شبانان [گوسفندانشان را] بازگردانند، و پدر ما پیرمرد کهن سالی است (و قادر بر این کارها نیست) (۲۳). پس [گوسفندانشان را] برای آن دو آب داد، آن‌گاه به سایه برگشت و گفت: پروردگارا! من به هر [رزق و] خیری که برایم بفرستی، سخت نیازمندم (۲۴). پس یکی از آن دو، در حالی که از روی حیا گام برمی‌داشت، نزد وی آمد... (۲۵)». (آیات ۲۳ تا ۲۵ سوره‌ی قصص)

## نکته:

الف) در آیات ۲۳ تا ۲۵ سوره قصص، ماجرای برخورد حضرت موسی(ع) در شرایطی که جوانی مجزذ بوده و هنوز به پیامبری نرسیده) با دختران حضرت شعیب(ع) گفته شده، که نکات خوبی درباره‌ی حیا می‌توان در آن دید. وقتی حضرت موسی(ع) به سر چاه آبی در اطراف شهر مدین می‌رسد، آن جا گروهی از مردم را می‌بیند که برای گوسفندان خود، از چاه آب می‌کشند و در فاصله‌ای دور از این مردان، دوزن را می‌بیند که دور گوسفندان خود را گرفته‌اند تا پراکنده نشوند. از آن‌ها می‌پرسد: «این جا چه کار مهمی دارید؟» می‌گویند: «تا بقیه‌ی چوپانان نروند، ما گوسفندانمان را آب نمی‌دهیم و ضمناً پدر ما پیری سالخورده است». موسی(ع) برای آن‌ها آب می‌کشد و بعد رویش را برمی‌گرداند و به سایه‌ای می‌رود و به دعا و راز و نیاز می‌پردازد. دختران حضرت شعیب(ع) به خانه می‌روند و حکایت را برای پدر تعریف می‌کنند و پدرشان یکی از آن دو را می‌فرستد تا موسی(ع) را برای پاداش گرفتن به نزد او بیاورد. این دختر با کمال حیا و وقار به سمت موسی(ع) می‌آید (تَمَشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ - آیه ۲۵ همین سوره) و او را به سمت پدر فرا می‌خواند.

ب) در روایات معصومین(ع) آمده که: موسی(ع) جلو حرکت می‌کرد و دختر حضرت شعیب(ع)، با فاصله‌ی زیادی، پشت سر او می‌آمد و چون موسی(ع) راه را بلد نبود و آن دو نامحرم نمی‌خواستند صحبت غیرضروری داشته باشند، دختر شعیب(ع) با پرتاب سنگ، راه را به موسی(ع) نشان می‌داد!

## پیام‌ها:

- ۱- مردمی که از چاه آب می‌کشیدند، هیچ اعتنایی به این که ناموسی مردم آن جا معطل مانده نداشتند؛ ولی برای حضرت موسی(ع) این موضوع، بسیار مهم بود و بر هر کاری اولویت داشت (وَجَدَ مِنْ دُونِهِمْ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا).
- ۲- دختران حضرت شعیب(ع) از جمع نامحرمان فاصله گرفته بودند و توجهشان فقط به گوسفندانشان بود (مِنْ دُونِهِمْ).

۳- دختران حضرت شعیب (ع)، رفتاری بزرگ‌تر از سنّ خود داشتند، به چشم حضرت موسی (ع)، به صورت دو زن کامل آمدند (امْرَأَتَيْنِ).

۴- موسی (ع) به آن‌ها نزدیک نشد. فقط پرسید چه کاری مهمی دارید؟ (قَالَ مَا حَظُّبِكُمَا).

۵- موسی (ع) پرسید چه کار مهمی دارید؟ یعنی زن اگر کار مهمی نداشته باشد، دلیلی ندارد بدون مرد، وارد اجتماع شود (مَا حَظُّبِكُمَا).

۶- دختران شعیب (ع) دو نفر بودند؛ یعنی اگر زن، مرد محرمی همراه خود نداشت، بهتر است حداقل یک همراه زن، با خود داشته باشد (امْرَأَتَيْنِ - حَظُّبِكُمَا).

۷- دختران شعیب (ع) گفتند تا وقتی چوپانان کنار نروند، ما گوسفندانمان را آب نمی‌دهیم؛ یعنی حفظ حیا و رعایت حریم محرم و نامحرم برای زن، از هر کار مهمی، مهم‌تر است (قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّى يُضِيرَ الرِّعَاءَ).

۸- دختران شعیب (ع) گفتند: «پدرمان پیری فرتوت و سالخورده است»، یعنی از سرِ ناچاری بدون مرد، وارد جامعه شده‌ایم (وَأَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ).

۹- موسی (ع) فقط یک جمله پرسید و دختران شعیب (ع) هم، فقط نکات مهم را در سه جمله‌ی کوتاه پاسخ دادند و دیگر صحبت غیرضروری بین دو نامحرم، ردّ و بدل نشد (قَالَ مَا حَظُّبِكُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّى يُضِيرَ الرِّعَاءَ وَأَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ).

۱۰- موسی (ع) بلافاصله برایشان آب کشید، یعنی منتظرشان نگذاشت (فَسَقَى).

۱۱- موسی (ع) آب را به سمت گوسفندان برد، یعنی به آن دو زن نزدیک نشد (فَسَقَى لَهُمَا) یعنی «گوسفندانشان را برایشان آب داد».

۱۲- موسی (ع) پس از آب کشیدن از چاه، رویش را برگرداند و به سایه‌ای رفت (این سایه چون به صورت معرفی به کار رفته، می‌تواند سایه‌ی پناه به خداوند از شرّ شیطان باشد). یعنی ارتباط بی‌مورد و توجه بیش از حد به نامحرم، خطرآفرین است (ثُمَّ تَوَلَّى إِلَى الظِّلِّ).

۱۳- موسی(ع) بلافاصله به دعا و راز و نیاز مشغول شد. یعنی تفکر و تخیل خود را وارد یک محیط فکری معنوی کرد تا از محیط فیزیکی اطراف، تأثیر شیطانی نپذیرد (فَقَالَ رَبِّ ...).

۱۴- دختر حضرت شعیب(ع) با راه رفتنی توأم با حیا و وقار به سمت حضرت موسی(ع) آمد( با آن که حیا و پاکی موسی(ع) را دیده بود). یعنی وظیفه‌ی زن، رعایت حیا در رفتار است. هرچند کسی که طرف ارتباط با اوست، مردی پاک و باایمان باشد (تَمَشِي عَلَى اسْتِحْيَاءِ).

۱۵- همین موضوع باعث ازدواج حضرت موسی(ع) با دختر حضرت شعیب(ع) -آن هم به پیشنهاد خود حضرت شعیب(ع)- شد(آیه‌ی ۲۷ همین سوره). یعنی چنین جوان باحیا و پاکی، لایق چنان دختر پاک و باحیایی است حقیقتاً هم، «الطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَ الطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ»(سوره‌ی نور، آیه‌ی ۲۶).

\*\*\*\*\*

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكُمْ وَ بَنَاتِكُمْ وَ نِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا»

«ای پیامبر! به زنان و دخترانت و به زنان مؤمن بگو چادرهای خود را فرو اندازند و به خود نزدیک کنند. این برای آن که [به عقیف بودن] شناخته شوند و مورد تعرض [هوس بازان] قرار نگیرند نزدیک‌تر است، و خداوند آمرزنده‌ی مهربان است.» (آیه ۵۹ سوره احزاب)

### پیام‌ها:

۱- حتی پیامبر خدا هم، از جانب خداوند، نیاز به تذکر دارد. بیهوده به خودمان اعتماد نکنیم (يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ...).

۲- آن چه پیامبر درباره‌ی حجاب فرموده است، سخن خودش نبوده، فرمایش و سفارش خداوند بوده است (يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ).

۳- حتی پیامبر خدا هم نباید نسبت به ناموس خود بی‌توجه باشد (قُلْ لَأَزْوَاجِكُمْ وَ بَنَاتِكُمْ).

۴- حتی زن و دختر پیامبر هم نیاز به تذکر دارند؛ چرا ما در تذکر دادن به خانواده‌ی خود، کوتاهی می‌کنیم (قُلْ لَأَزْوَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ)؟!

۵- هم زن انسان و هم دختر او باید توسط او مراقبت شوند. بنابراین، هم خانواده‌ی زن و هم خانواده‌ی شوهرش، هر دو نسبت به حجاب او مسئولند و نباید این تکلیف را به گردن یکدیگر بیندازند (قُلْ لَأَزْوَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ).

۶- زنان مؤمنین در تکالیف شرعی و حفظ حجاب، از زنان و دختران پیامبر جدا نیستند و هر دستوری که خداوند در این زمینه، به زنان پیامبر داده، بر زنان مؤمنین هم تکلیف است (قُلْ لَأَزْوَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ).

۷- پیامبر، ولی خداوند، رهبر مسلمین و هر کسی که سرپرستی گروهی از مسلمانان را بر عهده دارد، نسبت به حجاب و عفاف ناموس مسلمین، همانند ناموس خودش مسؤول است (قُلْ لَأَزْوَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ).

۸- فعل «يُذَنِّبِينَ» دو معنی دارد؛ یکی «پایین بیندازند» و یکی «نزدیک کنند». «جَلَابِيبَ» هم، جمع «جِلْبَاب» بوده و «جِلْبَاب» در زبان عربی، معادل «چادر» است. بنابراین، زن مسلمان، نه باید چادر خود را آن چنان جمع بگیرد که به بدن او چسبیده باشد و برجستگی‌های بدن را نمایان کند و نه باید آن را رها کند که لباس‌ها و اندام‌های او از زیر چادر، جلوه کنند. چادر باید، پایین افتاده و نزدیک بدن، بایستد (يُذَنِّبِينَ - جَلَابِيبِهِنَّ).

۹- شیوه‌ی پوشش زن، معرف شخصیت اوست. لباس‌های تنگ و کوتاه و جلوه‌کننده، که متأسفانه در چشم نامحرم، جاذبه‌ی جنسی ایجاد می‌کنند، به هیچ عنوان معرف شخصیت یک زن مسلمان و پاکدامن نیستند (ذَلِكَ أَذَىٰ أَنْ يُعْرِفْنَ).

۱۰- چادر و حجاب کامل، اذیت‌کننده نیست؛ محافظت‌کننده‌ی زن است از اذیت شدن توسط نامحرم (ذَلِكَ أَذَىٰ أَنْ يُعْرِفْنَ فَلَا يُؤْذِينَ).

۱۱- نحوه‌ی پوشش یک زن، هم می‌تواند ضامن امنیت او در جامعه باشد و هم عامل ناامنی او. این حقیقتی است که حتی تحقیقات و مستندات جوامع غربی هم آن را اثبات می‌کند. بنابراین، حجاب کامل، یک دژ محکم و نفوذناپذیر است در محافظت از آبرو و حیثیت یک زن (ذَلِكْ أَذْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَنْنَ)!

۱۲- خداوند پوشاننده‌ی گناه کسانی است (عَفْوًا) که خود را می‌پوشانند تا مایه‌ی گناه خود و دیگران نشوند (يُذْنِبْنَ... جَلَّابِيهِنَّ).

۱۳- هر زنی که توفیق حجاب کامل پیدا کند، مشمول رحمت خاصی خداوند شده است (رَحِيمًا) و «توفیق، رفیقی است به هر کس ندهندش»!

\*\*\*\*\*

«يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوْآتِكُمْ وَرِيشًا وَلِبَاسَ التَّقْوَىٰ ذَلِكَ خَيْرٌ ذَلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ»

«ای فرزندان آدم! به راستی ما بر شما لباسی فرو فرستادیم که هم زشتی‌های شما را می‌پوشاند و هم زینت شماست، ولی جامعه‌ی تقوا بهتر است. این از نشانه‌های خداست، باشد که پند گیرند». (آیه‌ی ۲۶ اعراف)

### پیام‌ها:

۱- مخاطب قرآن، فقط مسلمانان نیستند بلکه تمام بنی آدم هستند. بنابراین قرآن برای هدایت تمام جامعه‌ی بشری نازل گردیده است (يَا بَنِي آدَمَ...).

۲- نه تنها مؤمنان و مسلمانان، بلکه همه‌ی انسان‌ها تا انتهای هستی، پوشیده ماندن را از خدا گرفته‌اند؛ پس هر که پوشیده نباشد، خدایی نیست (يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوْآتِكُمْ).

۳- لباس حتی نوع دنیایی آن، هدیه‌ای آسمانی است و در آسمانی بودن آن نباید شک کرد (قَدْ أَنْزَلْنَا).



۴- اگر لباس پوشیدن، جنبه‌ی خدایی داشته باشد، اهمیت لباس، قابل توجه است (لباساً: تنوین در چنین مواردی در بردارنده‌ی مفهوم اهمیت و بزرگی یک پدیده است).

۵- لباس باید بپوشاند. گاهی ما لباس می‌پوشیم، اما لباس، ما را نمی‌پوشاند (یُواری).

۶- بدی‌ها و زشتی‌هایی که باید با لباس پوشیده شود، یکی دوتا نیست (سَوَاتِکُمْ: جمع است، نه مفرد).

۷- لباس قبل از این که زیبا باشد، باید پوشاننده‌ی زشتی‌ها باشد (یُواری سَوَاتِکُمْ - ریشاً).

۸- اگر لباس، عیب‌ها را بپوشاند، زینت محسوب خواهد شد (یُواری سَوَاتِکُمْ - ریشاً). مردان محبوب و زنان محجبه، زیبایی عجیبی دارند. اما این زیبایی برای آن‌ها خطرناک نیست؛ چون به قداست و احترام آن‌ها می‌افزاید و برعکس، مردان و زنان بی‌حجاب از این زیبایی محرومند و آن‌چه آن‌ها دارند، جاذبه‌ی جنسی است، نه زیبایی!

ای زن به تواز فاطمه (س) این گونه خطاب است  
ارزنده‌ترین زینت زن، حفظ حجاب است!

۹- مانند جسم، روحیات و رفتار ما هم لباس می‌خواهد؛ لباسی که زشتی‌هایش را بپوشاند، زبان و افکار و کردار ما را زینت بدهد؛ و آن لباس، لباسی تقواست. اگر لباس بدن، مانع رو شدن زشتی‌ها و محافظت بدن از رسیدن آسیب‌ها است، تقوا نیز چنین عملکردی دارد. با ایستادن جلوی چراغ قرمز، هم متخلف شناخته نمی‌شویم و هم از تصادف، آسیب نمی‌بینیم. و تقوا یعنی ایستادن در هر جایی که خداوند، چراغ قرمز قرار داده است (لباس التَّقْوَى).

۱۰- هر چند لباس جسم، بسیار مهم است، اما لباس روح، اصلاً با آن قابل مقایسه نیست (ذَلِكَ خَيْرٌ).

۱۱- نه تنها لباس تقوا خوب است؛ بلکه بهتر است از هر خوبی‌ای (خَيْرٌ).

۱۲- این که انسان باید لباس داشته باشد و لباس او هدیه‌ای آسمانی است، یکی از نشانه‌های خداوند است، یعنی نشان می‌دهد که خلقت انسان با سایر حیوانات، متفاوت است؛ پس در خلقت او هدفی متفاوت بوده و مرتبه‌ی او بالاتر است. یافتن همین هدف و مرتبه، انسان را به سمت شناخت خداوند سوق می‌دهد (ذَلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ).

۱۳- همه‌ی نشانه‌ها برای پند گرفتن است، اما دریغ و درد، که همه پند نمی‌گیرند. به فرمایش مولا علی(ع): «مَا أَكْثَرَ الْعَيْبَ وَ أَقَلَّ الْإِغْتِبَارَ»؛ یعنی: «چه قدر زیاد است عبرت‌ها و چه کم است عبرت گرفتن‌ها!» (لَعَلَّهُمْ يَذَكَّرُونَ).

\*\*\*\*\*

«وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلًا أَنْ يَنْكِحَ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ فَمِنْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِنْ فَتَيَاتِكُمُ الْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِكُمْ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ فَانكِحُوهُنَّ بِإِذْنِ أَهْلِهِنَّ وَآتُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ مُحْصَنَاتٍ غَيْرَ مُسَافِحَاتٍ وَلَا مُتَّخِذَاتِ أَخْتَانٍ فَإِذَا أُحْصِنَ فَإِنَّهُنَّ أَتَيْنَ بِفَاحِشَةٍ فَعَلَيْهِنَّ نِصْفُ مَا عَلَى الْمُحْصَنَاتِ مِنَ الْعَذَابِ ذَلِكَ لِمَنْ حَشِيَ الْعَنَتَ مِنْكُمْ وَأَنْ تَصْبِرُوا خَيْرٌ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ»

«و هر کس از شما، از نظر مالی نمی‌تواند زنان [آزاد] پاکدامن باایمان را به همسری [خود] درآورد، پس با دختران جوانسال باایمان شما که مالک آنان هستید [ازدواج کند] و خدا به ایمان شما داناتر است. [همه] از یکدیگرید. پس آنان را با اجازه‌ی خانواده‌شان به همسری [خود] درآورید و مهرشان را به طور پسندیده به آنان بدهید [به شرط آن که] پاکدامن باشند نه زناکار، و دوست‌گیران پنهانی نباشند. پس چون به ازدواج [شما] درآمدند، اگر مرتکب فحشا شدند، پس بر آنان نیمی از عذاب [=مجازات] زنان آزاد است. این [پیشنهاد زناشویی با کنیزان] برای کسی از شماست که از آرایش گناه بیم دارد، و صبر کردن، برای شما بهتر است، و خداوند آمرزنده‌ی مهربان است.» (آیه‌ی ۲۵ سوره‌ی نساء)

### پیام‌ها:

۱- توان اقتصادی در ازدواج، شرط اول نیست، چون قابل تغییر است و حدّ و مبلغ مشخصی ندارد. توان اقتصادی ما را در ازدواج، توقعات طرف مقابل، تعریف می‌کند. بنابراین برای این که توان اقتصادی بالایی در ازدواج داشته باشیم، گزینه‌ای با توان و توقعات اقتصادی پایین انتخاب کنیم (وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلًا أَنْ يَنْكِحَ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ فَمِنْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِنْ فَتَيَاتِكُمُ الْمُؤْمِنَاتِ).

۲- اولین شرط از دو شرط اصلی انتخاب همسر، پاکدامنی اوست و دومین شرط، ایمان او. زنی پاکدامن نامسلمان را می‌توان مسلمان کرد (در حدّی که حتی امام معصوم با او ازدواج کند؛ مثل

ازدواج امام حسین (ع) با شهربانو یا ازدواج امام حسن عسکری (ع) با نجس خاتون) اما زن (به ظاهر) مسلمان آلوده را نمی‌توان پاکدامن کرد (المُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ).

۳- در آیه‌ی ۲۲۱ سوره‌ی بقره، خداوند تأکید کرده است که کنیز مؤمن برای ازدواج کردن، از زن آزادِ مشرک بهتر است؛ حتی اگر امتیازاتِ دیگر این زن مشرک، شما را به تعجب وادارد (وَلَا تُؤْمِنُ خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكٍ وَلَا أُعْجِبْتُمْ).! باز در این آیه، به خاطر این که گمان نکنیم کنیز بودن، ضییع ارزشی برای زن حساب می‌شود، تأکید کرده که با وجود زن مؤمن و پاکدامنِ آزاد، و فقط به خاطر مشکلات مالی، ازدواج با کنیز مؤمنِ پاکدامن، بهتر است (وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلًا أَنْ يَنْكَحِ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ فَمِنْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِنْ فَتَيَاتِكُمُ الْمُؤْمِنَاتِ). این خود نشان می‌دهد که در اسلام، نگاهِ تحقیرآمیز به طبقات اقتصادی و اجتماعی پایین‌تر وجود ندارد و از نظر خداوند، همان گونه که در خود قرآن تأکید فرموده، ملاک برتری، فقط تقواست.

۴- دختران پاکدامن مؤمن، باید بدانند بزرگترین سرمایه‌ی آن‌ها پاکدامنی و ایمان آن‌هاست، مخصوصاً در جامعه‌ی امروز که چنین سرمایه‌ای را هر کسی ندارد (فَتَيَاتِكُمُ الْمُؤْمِنَاتِ).

۵- انسان هر چه قدر هم در پیدا کردن همسر دقت به خرج دهد (که موظف است هم با معیارهای شرعی پیدا کند، هم با معیارهای شرعی صحبت کند و هم با معیارهای شرعی انتخاب کند) باز هم فقط، بخشی از ظاهر زندگی فرد مقابل را می‌بیند و از پشت صحنه‌ی کار او خبر ندارد. آن کسی که ظاهر و باطن همه‌ی ما برایش آشکار است، خداوند متعال است؛ بنابراین جوان مؤمن، ضمن این که موظف است تمام خطوط قرمز دین را در تمام مراحل رعایت کند، آخر کار را باید به خدا بسپارد (وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِكُمْ).

۶- هرچند خداوند در جای دیگری از قرآن تأکید کرده که مردان پاک برای زنان پاک و زنان پاک برای مردان پاک هستند و ناپاک‌ها هم این‌گونه‌اند، اما در این آیه می‌فرماید شناسایی و انتخاب همسر، بر اساس حدود الهی باشد ولی در نهایت، کار به خدا سپرده شود که او به ایمان هرکس، از همه داناتر است و پاکی و ناپاکی افراد را از همه بهتر می‌داند و داناتر است به این که چه کسی با چه کسی سنخیت دارد (وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِكُمْ).

۷- برخلاف آن چه متأسفانه در فضای مجازی برای گمراه کردن جاهلان جامعه، به اسلام نسبت داده می‌شود و اسلام را آیینی می‌شمارند که به پیروانش اجازه داده ناموس مخالفان خود را غصب کرده و به آن‌ها تجاوز کنند، اسلام هم مخالف برده‌داری بوده و «برده» را به «بنده و خدمتکار» تبدیل کرده و برای آزادی این بنده و خدمتکار هم، در جای جای احکامش به عنوان کفاره‌ی مؤمنان در کوتاهی فرائض، سهمیه‌هایی قرار داده و در این آیه هم می‌بینیم به کنیز پاکدامن مؤمن، آن قدر بها داده شده که در مواردی، حتی به زن آزاد پاکدامن و مؤمن، ترجیح داده شده است و برای ازدواج با او، هم اجازه‌ی بزرگترهای او شرط است و هم مهریه‌ی او (فَأَنْكِحُوهُنَّ بِأَدْنَىٰ أَهْلِهِنَّ وَأَتَوْهُنَّ أَجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ).

نکته‌ی دیگر این که؛ عدم استطاعت مالی فرد، یا فقیر بودن زن و حتی کُلفت و خدمتکار بودن او، بهانه‌ای برای فرار از ازدواج و تشکیل خانواده نمی‌شود (فَأَنْكِحُوهُنَّ).

۸- باز هم برخلاف تصوّر ما (به ظاهر) مسلمانان، تنها چیزی که درباره‌ی همسر آینده تهدید به شمار می‌رود «اهل فحشا بودن» او یا «اهل ارتباط نامشروع بودن» او با نامحرم است (مُحْصَنَاتٍ غَيْرِ مُسَافِحَاتٍ وَلَا مُتَّخِذَاتِ أَخْتَانٍ).

۹- هرچند دختر موظف است تا قبل از ازدواج، دور خود دژی محکم قرار دهد تا کسی در حریم او نفوذ نکند (مُحْصَنَاتٍ)، باز هم با ازدواج کردن، دوباره در دژ قرار می‌گیرد (أَحْصِنَّ)، یعنی تا قبل از ازدواج، پدر و مادر و برادر و خانواده و فامیل، همه پشتیبان‌های ناموسی این دختر بوده‌اند، و بعد از ازدواج هم، شوهر و خانواده و فامیل شوهر، به این پشتیبان‌ها اضافه می‌شوند.

خود دختر هم تا قبل از ازدواج باید حریم نگه می‌داشته تا آبروی خانواده و فامیلش نرود و بعد از ازدواج، باید حریم محکم‌تری نگه دارد تا هم آبروی خانواده و فامیل خود را نبرد و هم آبروی شوهر و خانواده و فامیل شوهر را (مُحْصَنَاتٍ غَيْرِ مُسَافِحَاتٍ وَلَا مُتَّخِذَاتِ أَخْتَانٍ فَإِذَا أَحْصِنَّ...).

۱۰- هر پاکدامنی تا انتهای عمر، احتمال لغزیدن دارد. بنابراین دژ عفاف و حجاب تا انتهای عمر باید رویین بماند و روز به روز رویین‌تر (محکم‌تر) شود، چون آسیب‌ها روز به روز بیشتر می‌شود. مجازات‌های خداوند نیز منصفانه است (همان‌طور که فرائض او منصفانه است و هر انسانی را به

اندازه‌ی توانش تکلیف می‌کند و هم از هر انسان خطاکاری به نسبت توانش بازخواست می‌کند؛ دختری که در خانه‌ی پدر رشد کرده و به ازدواج رسیده، امکانات فرهنگی و تربیتی برابر با دختری که خدمتکار بوده، نداشته است. گمراهی این دو هم نباید مجازات برابری داشته باشد (فَإِنْ أَتَيْنَ بِفَاحِشَةٍ فَعَلَيْهِنَّ نِصْفُ مَا عَلَى الْمُحْصَنَاتِ مِنَ الْعَذَابِ) و زنی که در خانه‌ی پیامبر(ص) زندگی کرده، الگوی برابر با زنان آزاد معمولی نداشته است و (به استناد سوره‌ی احزاب، آیه‌ی ۳۰) اگر خطا کند نباید مجازات برابری داشته باشد (يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَنْ يَأْتِ مِنْكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ يُصَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ).

۱۱- هرچند عذاب هر خطاکاری به نسبت امکانات و توانی است که برای مقاومت در برابر خطا داشته است اما هیچ خطاکاری برای خطایی که کرده، از عذاب خداوند مصون نمی‌ماند (فَإِنْ أَتَيْنَ بِفَاحِشَةٍ فَعَلَيْهِنَّ نِصْفُ مَا عَلَى الْمُحْصَنَاتِ مِنَ الْعَذَابِ).

۱۲- ازدواج، سنت است اما واجب نیست. بر کسی واجب است که عالمانه بترسد از این که به گناه بیفتد یا از خودنگه‌داری، رنج و آزار ببیند (ذَلِكَ لِمَنْ حَسِبَ الْعَنَتَ مِنْكُمْ).

۱۳- صبرکردن و پاکدامنی، بهتر از عجله کردن در ازدواج، و نسنجیده عمل کردن در این امر مهم است (وَأَنْ تَصْبِرُوا خَيْرٌ لَكُمْ).

۱۴- خداوند، پوشاننده‌ی گناهان است. اگر با اتکا به او، بر پاکدامنی خود صبر کنیم، گناهان را بر ما می‌پوشاند. یعنی کاری می‌کند که نسبت به لذاتی که دیگران را به دام می‌اندازد، بی‌میل و بی‌تفاوت باشیم؛ به گونه‌ای که آن‌ها خود را نیازمند ببینند، ولی ما حتی غریزه‌ی خود را هم فراموش می‌کنیم (وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ).

۱۵- هرکس صبرکند بر آن چه که دیگران بر مبنای هوس‌های خود، نیاز ضروری خود می‌دانند و بر اساس نیاز دانستن، خود را مجاب به انجام گناه می‌دانند، ضمن این که این گناه و احساس نیاز، بر او پوشیده می‌شود، رحمت خاص خداوند هم شامل حال او می‌شود (وَأَنْ تَصْبِرُوا خَيْرٌ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ).

## سخن آخر

خواننده‌ی گرامی! آن چه مطالعه فرمودید، قطعاً همه‌ی آیات و آموزه‌های قرآنی و دینی در موضوع عفاف و حجاب نیست. فقط قطره‌ای است از اقیانوس بی‌کران معارف اسلامی در حوزه‌ی عفاف و حجاب. پیام‌هایی هم که از آیات مذکور برداشت شده، قطعاً همه‌ی پیام‌های آن آیات نیست. برداشتی اندک است از نگاهی گذرا و دقت و تدبیری کوتاه در آن آیات عظیم.

لذا از همه‌ی ما و خانواده‌های ما توقع می‌رود که بر میزان آگاهی‌های خود در مسائل عفاف و حجاب و آشنایی خود نسبت به سیره‌ی معصومین (ع) و معارف ارزشمند آن‌ها بیفزاییم خصوصاً در جامعه‌ی امروز که دشمنان دین و انسانیت و نجابت و حیا، پیوسته در تلاش‌اند تا روز به روز بر حربه‌ها و تکنیک‌های آسیب‌زننده‌ی خود بیفزایند تا زن، خانواده و انسانیت را به فساد و فحشا بکشانند.

«وَأَخِرُّ دَعْوَانَا أَنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»

## مقالات منتشر شده توسط جبهه مقاومت فرهنگی رویین دژ،

که مورد استقبال و تأثیرپذیری زیادی توسط هموطنان عزیزمان قرار گرفته و ناکون مسابقات بسیاری از محتوای آن‌ها در جای‌جای کشور اسلامی ما برگزار گردیده است؛ (دانلود نسخه PDF این مقالات، به صورت رایگان از آدرس: [www.zil.link/RooyinDezh](http://www.zil.link/RooyinDezh))

### نوش دارو:

نوشته‌ای بی‌مانند در بیان اثرات منفی روابط حرام دختر و پسر به عنوان اصلی‌ترین عامل رشد طلاق در جامعه.



### خط قرمز:

بیان حدود احکام الهی و خطوط قرمز دین و پاسخگویی به شبهات مطرح در جامعه.



### رویین دژ:

نوشته‌ای جامع، مؤثر، مفید و بسیار تأثیرگذار در حوزه عفاف و حجاب و تشکیل و مدیریت خانواده، از قبل از ازدواج تا تربیت نسل؛ از این نوشته، تاکنون در دانشگاه‌ها، مدارس، مساجد و مؤسسات فرهنگی و آموزشی مختلف در سراسر کشور، مسابقات بسیاری برگزار شده و نتایج مفید حیرت‌انگیز، به دست آمده است؛



### نیاز به نماز:

مقاله‌ای بسیار تأثیرگذار در جهت قانع کردن افرادی که نسبت به نماز بی‌توجه‌اند و تقویت عقیده‌ی کسانی که نماز می‌خوانند و بیان نکات بسیار مهم در جهت انگیزشی هرچه بیشتر نماز در تحکیم خانواده و برکت زندگی.



### دُرهایی از دریایی:

ارزانی چند آیه از قرآن کریم همراه با پیام‌ها و مفاهیم بسیار زیبای آن در اثبات حقیقت عفاف و حجاب و ناموس‌داری در قرآن.



### نور علی نور:

اثبات بسیار دقیق و متحرکننده‌ی امامت اهل‌بیت علیهم‌السلام بر مبنای آیات قرآن کریم، که در نوع خود، کاری بی‌مانند و بی‌نظیر است.



### پیام‌های مکتب عاشورا:

مطالبی مؤثر و مفید با تشریح ساده و روان همراه با پیام‌های بسیار تأثیرگذار از وقایع عاشورا به عنوان چراغ هدایتی برای جامعه‌ی امروز، که تأثیر بسزایی در درک محتوای قیام امام حسین علیه‌السلام و بهره‌مندی از درس‌های قیام ایشان برای موفقیت ما در زندگی امروز دارد.



### آشنای غریب:

نوشته‌ای ممتاز، با نگاهی متفاوت به موضوع مهدویت و آخرالزمان، که تأثیر بسزایی در انگیزش مخاطبان برای حرکت در مسیر برنامه‌ها و اهداف امام زمان علیه‌السلام، داشته است.

